

پیشرفت صنعتی جوامع و ارتباط آن با جرم

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۲۰ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۲/۲۷)

سعید شاه پورجانی

چکیده

بشریت در طول تاریخ زندگی خود بر این سیاره ادوار مختلف و متفاوتی را پشت سر گذارده است و همواره در گمان خود رو به سوی فردایی بهتر داشته است که شاید این روند، ریشه ی در گرایش کمال گرای انسان داشته باشد که او را وادار به جنبش و حرکت برای ترقی و تعالی جسم و جان و دنیا و عقبای خود کرده است. طبیعت ارزشمدار انسان در تمام دوران ثابت بوده است اما مصادیق عینی این ارزش ها در بسیاری از عصرها برایش مشتبّه شده است و موجب طریق در بیراهه ها گشته است همچنان که در دوران ما و در عصر تجدد و با پیشگیری اصول متجدد بشر راه دیگری نسبت به راه اسلاف خود در پیش گرفت که انقلابات عظیمی در این راستا شکل گرفت (نظیر انقلابهای فرهنگی، علمی، صنعتی، اجتماعی و ...) و بشر این بار با چنگ زدن در دامان علم، بر این شد که مشکلاتش را به کمک اکسیر علم رفع کند از این رو این دوره را، دوره رواج علم گرایی می توان نامید. اکنون که سرعت پیشرفت های علمی و صنعتی شتابی خیره کننده گرفته است دیده می شود که پدیده های منفی انسانی و اجتماعی مانند تنهایی و جرم نیز در همین راستا هر روزه رشد داشته اند به طوری که این فکر را به ذهن بیننده القا می کنند که شاید ارتباط عمیقی بین این پدیده های هم سو وجود داشته باشد منظور اصلی این تحقیق نیز بررسی این ارتباط می باشد.

۱۱۹



واژگان کلیدی: پیشرفت صنعتی، تکنولوژی، ارتکاب جرم، بزهکاری، توسعه، پیشگیری از جرم

بخش اول: پیشرفت و توسعه

این مفهوم از مفاهیم وارد شده در زبان ما می باشد و می توان گفت که در گذشته دور حتی اگر وجود این لفظ را متصور باشیم مطمئنا مفهوم امروزی آن را نداشته است زیرا به اعتقاد برخی از جامعه شناسان این مفهوم (توسعه) مفهومی مدرن و متجدد است که در دوران سنت وجود نداشته است زیرا به رغم این افراد دوران سنت دوره ی سکون و اینایی بوده است و این دوران تجدد است که خاصیت دینامیک و روان دارد که ابتدا در فکر و ایده نمایان شد و سپس خود را به دنیای خارج آورد. پیرو آن جمله: فکر جدید، دنیای جدید را می سازد نه دنیای جدید، فکر جدید را. پس توسعه یعنی بست یافتن باز شدن، پیشروی، ارتقاء، که در بعضی جهات آن با مفهوم رشد نزدیک است و دیوید یمانه در کتاب «تئوری توسعه» می نویسد:

توسعه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری، و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم است توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد.^۱ توسعه به عنوان یک جریان عمومی به مثابه یک مذهب و ایدئولوژی است که اصول و فروع و بایدها و نبایدهای خود را دارد و در تمام شئون فردی و اجتماعی تاثیر گذار است.

بخش دوم: پیشرفت و توسعه صنعتی

پیشرفت صنعت که شروع آن را از قرون هجدهم و نوزدهم میلادی در اروپا و امریکا می توان یافت اصطلاحا به آن انقلاب صنعتی^۲ گفته می شود البته این پدیده خود پدیده ای تابع بوده که از تحول شگرف دیگری که از آن به رنسانس یاد می کنند ناشی شد که شروع مفصل این وقایع در کتاب ارزشمند تاریخ تمدن اثر ویل دورانت آمده است مهمترین افرادی که در این تغییر مسیر تاریخی و بزرگ نقشی داشتند می توان از فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶ میلادی) رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰ میلادی) مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶ میلادی) موسس مذهب پروتستان در اروپا که نقش عمده ای در این پوست اندازی تدریجی اروپا از قرون وسطی داشته اند اروپا با ترک کردن تفکرات و عقاید

^۱ سید مرتضی آوینی، توسعه و مبانی تمدن غرب، ص ۴۹

^۲ انقلاب صنعتی عبارت است از دگرگونی های بزرگ در صنعت، کشاورزی، تولید، حمل و نقل که در اواخر قرن هجدهم و نوزدهم آغاز شد صنعتی شدن به معنی استفاده از ماشین به جای نیروی انسان است.



قدیمی رایج و شک در گذشته ی خود راه جدید و متفاوتی را پیش گرفت و افرادی چون بیکن ایده ی علم نه برای علم بلکه برای مطیع کردن طبیعت و استفاده مادی از آن^۱ را مطرح کردند و عملکرد سوء کلیسای کاتولیک و برپایی دادگاههای تفتیش عقاید و سرکوبی نوابغ و دگراندیشان و با گرفتن اندیشه های جدید که با شک و تردید در مبانی مقبول کلیسا همراه بود سرانجام مجموعه ای از این وقایع تاریخ اروپا را چنان پیش برد که واقعه ی عظیم انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ نقطه ی عطف تحولات جهان مدرن گردید که نگرشی جدید را پی ریزی می کرد و آن جدایی عقاید و افکار دینی از دنیای مردم بود که به آن سکولاریسم گفته می شود با شیوع این گسست در تمام جوانب انسان غربی افق های جدیدی پیشروی آنان شکل گرفت و جهان غرب بدین سان پیش آمد و پیشرفتهای علمی و صنعتی یکی پس از دیگری جلوه و رونقی را در پیش چشمان مردم آن دیار به وجود آورد که تقریباً نگاه همگانی چنین شکل گرفت که تنها راه پیش روی بشریت را تمکین به توسعه و پیشرفت با مدل غربی آن می باشد.

بارزترین نمود آن در تحولات و پیشرفت های صنعتی دیده می شود که با اختراعات و نوآوری های هر روزه به سرعت و غلظت فرایند صنعتی شدن اضافه می شود که تاثیرات شگرفی به شکل و نوع زندگی انسان ها گذاشت.

بخش سوم: بررسی و تعریف جرم و جرم شناسی

برای جرم شناسی نه تنها جرائم قانونی که کلیه اعمال ضد اجتماعی نیز می توانند جرم به معنای رفتار ضد اجتماعی باشند هر چند برای آنها کیفری در نظر گرفته نشود قلمرو جرم شناسی بسیار وسیعتر از حقوق جز است. به عبارت دیگر در جرم شناسی «حالت خطرناک» و یا «ضد اجتماعی» فرد صرف نظر از قانونی بودن جرم از اهمیت بسیاری برخوردار است.^۲ جرم شناسی با دید گسترده تری به پدیده های ضد اجتماعی نگاه می کند که بعضاً ممکن است از سوی قانون مورد چشم پوشی قرار گرفته باشند ولی در نهایت این زنجیره به هم پیوسته است و آغاز عصیان درونی و خفیف یک فرد پایان پدیده ی مجرمانه و آسیب به بدنه ی اجتماع را به دنبال دارد. وجود نظریه پردازی های جرم شناسان در حیطه ی نظری جرم، سرانجام آن را باید در موارد قانونی و جزایی آن جامعه جستجو کرد که همه ی تحقیقات و بررسی ها عصاره ی خود را در شکل گیری یک ماده ی قانونی (تعریف جرم در اینجا) خواهند

^۱ سیر حکمت در اروپا- فروغی، محمدعلی، ص ۲۱۴

^۲ دکتر رضا نوربها- زمینه ی جرم شناسی ص ۶۴



یافت زیرا تنها قانون می‌تواند به اعمال ضد اجتماعی برخی افراد را با تکیه بر ضمانت اجرایی که برای آن در نظر گرفته شد پاسخ دهد در اصلی‌ترین قانون جزایی کشور ما جرم چنین تعریف شده است: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.^۱ جامعه‌ی دینی ما با تغذیه از منابع اسلامی و نقش وسیع فقه اسلامی در شکل‌گیری نظام حقوقی کشور ما همواره از نظریات فقهی در حقوق خود تاثیر گرفته است و توجه به مفهوم جرم از منظر فقهی در این گفتار خالی از فایده نیست اگرچه فقها در تعاریف خود از جرم همیشه صبغه‌ی شرعی را پررنگ در نظر می‌گیرند اما به معالجه جامعه نیز توجه دارند به عنوان مثال این تعریف مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد^۲ دیدگاهها و نظریات فقهی به جهت تاثیر پذیری از جهان بینی و ایدئولوژی نشأت گرفته از دین ممکن است تا حدودی قرائت‌های متفاوتی نسبت به پدیده‌های اجتماعی تعریف داشته باشند. با توجه به چند وجهی بودن پدیده‌ی جرم (مانند تمام پدیده‌های انسانی و اجتماعی) که توجه اندیشمندان رابه خود جلب نموده تاثیر گذاری جنبه‌ی درونی و روانی انسانی بر این پدیده را نیز نمی‌توان انکار کرد. هر جامعه‌ای برای حفظ و صیانت خود و اصولاً برقراری مناسبات سالم و هماهنگی میان افراد و افراد با نهادهای اجتماعی به وضع قوانین و مقرراتی می‌پردازد در روند اجتماعی پذیری و قبول هنجارها و ارزشهای کلی جامعه افرادی یافت می‌شوند که یا به علت ناتوانی جسمی- روانی و یا به علت نابسامانی محیط در تعیین و ارائه ضوابط دقیق هنجارها و یا به هر دو علت از فروگشایی کشمکشهای روند سازگاری عاجز مانده اند و کوشش آنان در جهت بازیابی هویت و ایستار اجتماعی خود به صورتهای گوناگون از جمله قانون شکنی تجلی می‌کند بنابراین جرم از دیدگاه روانشناسی اجتماعی بر دو عنصر فرد و گروه و چگونگی مناسبات این در با یکدیگر تاکید دارد.^۳

بند اول: انسان و جرم

در هر صورت با ارائه تعاریفات گوناگون از پدیده‌ی اجتماعی به نام «جرم» می‌توان به این نتیجه رسید که بزهکاری در سطح جامعه اگرچه به عنوان پدیده‌ی منفی نمود دارد و برای همه‌ی عقلا و افراد انسانی واجب است که در محو و ریشه کن کردن این ضایعه‌ی عام چه در بعد شخصی و چه در بعد عمومی تلاش

^۱ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵

^۲ دکتر رضا نوریها- زمینه‌ی حقوق جزای عمومی ص ۱۵۳

^۳ دکتر محمدعلی اردبیلی- حقوق جزای عمومی (جلد ۱) ص ۱۲۱

کنند اما از بدو نزول و حضور انسان بر این عالم و در وقتی که جماعت انسانی به قدر انگشتان دو دست نمی رسد یکی از قبیح ترین جنایت ها بر اثر حسادت شکل گرفت و دست برارد به خون برادر دیگر آلوده گشت (اشاره به داستان هابیل و قابیل)^۱ و با گذر زمان از پیچ و خم های تاریخ اجتماعی جرم افزایش داشته و کاهشی بر خود ندیده است. البته براساس نگرش های مختلف مکاتب انسان شناسی اکثرا بر این نظر توافق دارند که وجود انسان متشکل است از ابعادی مختلف که همه ی آن ابعاد زیر مجموعه ی دو بعد رحمانی و شیطانی وجود بشر هستند همانطور که در منافع دینی تفکر ما به بعضی از مسائل نیک و بد انسان اشاره شده است مانند فطرت پاک انسان^۲ عدالت و اخلاقی بودن انسان و همچنین اشاره به جهول بودن^۳ عجول بودن^۴ ضعیف بودن انسان^۵ که هر فرد انسانی با نظر بر درون خود بر این نقاط روشن و تاریک وجود خود اذعان پیدا می کند البته وظیفه ی انسان ها در طول زندگی خود تربیت نفس خود در جهت تعالی می باشد که البته این مخالف با طبیعت راحت طلب و لذت جوی انسان است که خود عامل نخستین و ریشه ی بسیاری از معذلات انسانی و بحران های اجتماعی خواهد شد (همانطور که در زمان ما این امر به وضوح دیده می شود) که حتی از سوی نظریه پردازان کثیری در حوزه ی انسانی توجه تنوریک و نهایتا عملی شده است تحت عنوان نگرش های فرد مد ارانه و مکاتب فلسفی که اصل را به لذت و خوشی می نهند^۶ با پذیرش وجود سیال و غیر ساکن و نقاط قوت و کاستی های وجود انسان و تنزل و ترقی های مکرر این موجود در طول زندگی خود لاجرم چطور پدیده ی مجرمانه را (که البته خود معلول علل گوناگونی چون عوامل زیستی و ژنتیکی، خانواده نامناسب، محیط مستعد و تاثیر گذار و وضعیت و تنگناهای اقتصادی و ...) در حد متعادل آن در سطح جامعه را باید انتظار داشت اما گاهی این پدیده به شکل معنادار و خطرناکی رو به فزونی می یابد که چراغ های سرخ بحران های اجتماعی ناشی از جرایم را برای مردم و متولیان روشن می نماید که بحث این مقال نیز در مورد تاثیر و تاثر پدیده ی مجرمانه در رابطه به چگونگی وضع اجتماع و ساختار زندگی انسان می باشد و اینکه پیشرفت های روز افزونی صنعتی جوامع چه تعاملی با جرم دارند.

^۱ قران کریم، سوره مائده آیات ۲۷ الی ۳۱

^۲ قران کریم، سوره روم، آیه ۳۰

^۳ قران کریم، سوره احزاب، آیه ۷۲

^۴ قران کریم، سوره اسراء، آیه ۱۱

^۵ قران کریم، سوره نساء، آیه ۲۸

^۶ مانند مکاتب فلسفی چون Hedonism – Epicureanism فرهنگ تفسیری ایسم ها ص ۲۸۱، ۴۰



بخش چهارم: پیشرفت صنعت و تاثیرات آن بر افزایش جرایم

پیشرفت صنعت که خود زاییده‌ی مسائل و تغییرات بنیادی دیگری در میان جوامع انسانی بوده است خود نیز در طی این تعامل با انسان تاثیرات زیادی بر بشر نهاده است در روزهای اول که انسان تکنیک را به خدمت گرفته بود بر این پندار بود که تکنیک به عنوان مرکبی رام او را به سر منزل مقصود می‌رساند (آندره مارلو، می نویسد: تمدن ما نخستین تمدنی در تاریخ است که به پرسش «معنی زندگی چیست؟» پاسخ داده است «نمی دانم!»^۱) اما داستان این چنین پیش نرفت و با گذشت زمان و فر به شدن هر چه بیشتر این مرکب رام سرکشی و نافرمایی خود را نشان داد و اوضاع را به نحوی دگرگون ساخت که به حاکمیت مطلق تکنولوژی بر امور بشر انجامیده است «آوازه‌ی جدایی ارزشهایی اخلاقی و معنوی از مبانی عقلی و علمی» اولین بار از زنان پیشگامان فرهنگ و تکنولوژی و دانش جدید؛ کپلر، نیوتن، گالیله، فرانسیس بیکن و ... شنیده شد این نوا صراحت لازم را دارا بود. گرچه افراد یاد شده هرگز زدودن نقش خالق عالم و نفی حاکمیت و مشیعت او را بر جهان در ذهن خود نمی‌پروراندند اما ثمره‌ی جدایی علم و فن از ارزشهایی معنوی و دینی فاجعه‌ای را به بار آورد که امروز شاهد آن هستیم حاکمیت تکنیک بر اراده و آرمان‌های انسانی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی و در یک کلام تکنوپولی.^۲

تکنوپولی که اصطلاح برگزیده‌ی آقای پستمن بوده است مبین این نظر است که با وارد شدن و در واقع سلطه‌ی تکنولوژی بر تمام شئون زندگی انسان دیگر انسان‌ها خادم تکنولوژی شده‌اند و تکنولوژی مخدوم انسان است. با هجوم سیل تکنولوژی و پدیده‌های رنگارنگ صنعتی نو بر انسان‌ها حتی فرصت تحلیل و انتخاب را نیز از دست داده ایم و نوعی جبر دچار شده ایم سیر گسترش تکنولوژی و استفاده از ارمغان‌های متنوع صنعت و ماشین موجب دامن زدن بر انانیت ما شده است که دیگر این عقل و تدبیر انسانی نیست که در امور به آن متوسل شویم بلکه شهوات و خواست‌های بی‌پایان نفس اسن که مطیع آن شده ایم و این خود سرایت دیناسیم درونی تکنیک است که بر استفاده کنندگان از آن نیز مستولی شده است. «فزون طلبی، رقابت خیز و خصومت آفرین است آدمی را در جاده‌ی سبقت گرفتن‌های کور و بی‌هدف می‌اندازد و نفس برنده شدن در رقابت را هدف او می‌سازد و هم از این رو ساختن ماشین‌های هر چه شتابکارتر، مولدتر و موثرتر، چنان محوریت می‌یابد که آدمی را به دنبال می‌کشاند و جاده‌ای بی‌پایان را که از میان رقابت‌ها و خصومت‌ها و حسادت‌ها

^۱ روزبه گارودی، گورکن‌ها، یک هشدار نوین به زندگان ص ۱۱

^۲ نیل پستمن - تکنوپولی ص ۲

عبود می کند در برابر وی می نهد و همین است آنچه دینامیم درونی رشد تکنیک نامیده می شود»^۱ رواج این گرایشات موجب می گردد که آستانه مقاومت و خویشتن داری انسان ها در مقابل ناملايمات و نابسامانی ها به شدت کاهش یابد به نحوی که با میدان دادن به امیال سرکش خود دیگر در مقابل حقوق دیگران و تکالیف خود متعهد نباشند و برای ارضاء کوچکترین خواسته های نفس، دست به هر عملی بزنند (و در صورت نبود مرزهای اجتماعی که دست زیاده خواهان را کوتاه می کند این تعدی ها بیشتر نمودار می گردد)

بند اول: تنزل اخلاق و تأثر آن از پیشرفتهای صنعتی جوامع

این تنزل را امروز باید بحران خواند زیرا با یک نگاه گذرا به موقعیت کنونی جوامع و بست تکنولوژیک آن و هم سویی معذل های گوناگون بوجود آمده و رشد آنها همگام با رشد تکنولوژیک این فکر را به ذهن تبادرمی کند که آیا معامله ی انسان با تاریخ و دادن سرمایه های اخلاقی و اجتماعی خود در قبال دریافت مطاع مدرنیته ، منفعت کرد یا متضرر شده است؟ قضاوت را بر خود بینندگان وضع موجود باید سپرد (البته نتیجه تا حد زیادی مشخص است) در این جا به کلام یک بزرگی اشاره می کنم فرمود: بر این باور برسیم که تکنیک هر چه به ما بدهد بهتر از آنرا از ما می ستاند.

رنگ باختن ارزشهای اخلاقی معلول پیشرفت های صنعتی که به ترویج مصرف گرایی و بهره گیری هر چه بیشتر و تفاله کردن طبیعت پرداخته است اگرچه عقبه ای در تفکرات روشنفکرانه ی بی اعتنا به اعتقادات دینی قرنهای هجده و نوزده بوده اما عملی شدن آنها با سلطه ی مطلق تکنولوژی در قرن بیست عمق فاجعه را نمایان ساخته است یک نمونه ی مورد اشاره در امریکا را در طول قرن بیستم ذکر می کنیم، «یک بررسی انجام شده در ایالت کالیفرنیا در امریکا نشان می دهد که در سال ۱۹۴۰ هفت مورد از مسائل عمده انضباطی درمدارسی این ایالت، عبارت بودند از: صحبت کردن در کلاس، جویدن آدامس، شلوغ کردن، دويدن در راهروها، خارج شدن از صف، پوشیدن لباس های نامناسب ، نینداخت اشغال درسطل زباله. در مطالعه ای که در سال ۱۹۸۶ در مدارس همین ایالت انجا گرفت. هفت مورد از مسایل جاری به این شرح بوده است استفاده از مواد مخدر نوشیدن مشروبات الکلی، حاملگی دختران جوان، خودکشی ، تجاوز ، دزدی و خشونت. البته یک مورد دیگر که در سال های اخیر به موارد بالا افزوده شده و در غالب ایالات امریکا به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح شده ،

^۱ دکتر عبدالکریم سروش - تفرج صنع، ص ۲۹۸



مسلح شدن جوانان دانش آموز به انواع سلاح های گرم و بعضا استفاده از آنها علیه معلمان ، کارکنان، و دانش آموزان دیگر است^۱

بند دوم: گسترش فقر و موازات توسعه ی صنعتی و اثرات آن بر جرم

بر جامعه شناسان و اقتصاد دانان پوشیده نیست که جهان صنعتی و تکنولوژیک با تمام زرق و برق های خیره کننده اش همچنان قرائت کننده ی قصه ی قدیمی افزایش تنگناهای قشر فقیر و بهره وری های بی حد و حصر ثروت اندوزان بی دغدغه بوده است. علاوه بر این که پیشرفت های صنعتی باعث افزایش ثروت و تمرکز آن در دست عده ی محدودی (در مقایسه با اکثریت افراد جوامع) شده است که خود عاملی برای ارتکاب بزه هایی خاص در این قشر (مرفه) خواهد شد از قبیل: تخلفات اقتصادی و مفساد مالی، عدم رعایت نظامات اجتماعی به علت قدرت کاذبی که پول به این افراد داده است جرایم مواد مخدر و تا حدی جرایم جنسی ... که بزهکاری این قشر را اصطلاحاً بزهکاری «فساد» می گویند. از سوی دیگر افراد مفلوک و فقیر جامعه که حتی از برآوردن نیازهای اساسی خود عاجز هستند در مقابل فشار زندگی اندک اندک در برابر ارتکاب جرایم معمولی برای رفع نیازهای اصلی و روزانه مستعد می شوند و به تبهکاری از روی نیاز روی می آورند و در ادامه ی این روند که احیاناً توسط نهادهای کیفری دستگیر ، محاکمه و مجازات می گردند. در بازگشت و آزادی مجدد خود همراه با حجم زیادی از فشار روانی به شکل عصیان و اینکه جامعه بدون انجام وظایف خود در برابر آنان از این افراد انتظار نظم پذیری و رعایت حقوق اجتماعی را داشته نوعی حس طلبکاری و مظلومیت به آنها دست می دهد و این بار در صدد انتقام از جامعه و شهروندانش با عزم راسخ تصمیم به تبهکاری می گیرند. جلوه ی دیگری از تبهکاری که رشد فقر در آن موثر است این است که افراد فقیر و حتی نوجوانان تهیدست که در اثر شرایط بد محیطی و در صورت داشتن تمایلات درونی به سوی جرم بیشتر آماده ی ارتکاب جرایم هستند به طور انفرادی یا گاه گروهی افراد مرفه و ثروتمند جامعه را هدف خود قرار می دهند و اقدام به اعمال مجرمانه که منافع مالی برای این گروه به دنبال دارد می کنند به طور چشمگیری بزه دیدگان متمول جامعه هدف جرایم مالی قرار می گیرند از قبیل سرقت های متنوع اعم از دزدی از منازل ، فروشگاهها، سرقت وسایل ریز اتومبیل ها، سرقت اشیاء قیمتی این افراد، حتی زورگیری ها و اخاذی ها از سوی گروهی که عمدتاً محرک اصلی آنها در گرایش به سمت این جرایم با صبغه ی مالی و مادی فقر و عدم بضاعت مالی آنها بوده است.

^۱ سید علی اصغر کاظمی - بحران جامعه مدرن، ص ۸۷

بند سوم: بوجود آوردن نیازهای مصنوعی برای افراد جامعه

با رواج پیشرفت های صنعت در عرصه های مختلف و تولیدات متنوع برای جوانب و مقتضیات جدید زندگی انسان ها و تحریک خواسته های مختلف مردم و حجم عظیم فرآورده ها که در اثر رقابت بنگاه های مختلف اقتصادی تولید و برای فروش مهیا شده اند (با توجه به این که مدرنیته به همگامان آموخته است که همه چیز دارای قیمتی مادی است و برای برخورداری از هر چیزی ابتدا باید هزینه های مادی آن را پرداخت نمود) با تبلیغات مستمر و به شکل تسخیر کننده ای القای این مفهوم که استفاده از محصولات جدید برای گذران زندگی ضروری و لذت بخش (کنایه به تفکری بر پایه ی اصالت لذت) است در حالی که اکثریت قریب به اتفاق این فرآورده های رنگارنگ نه تنها جزء نیازمندی های حیاتی مردم نیستند بلکه خود نیازی تصنعی هستند و استفاده از آنها موجب زایش نیازهای مصنوعی و غیر ضروری دیگری می شوند و گویی این زنجیره ی متسلسل نیاز جدید و خرید محصول جدید برای ارضای آن نیاز و تولد نیازی جدیدتر را پایانی نیست رنه گنون فرانسوی منتقد معروف مدرنیته می گوید: هدف تمدن متجدد عبارت است از افزایش نیازمندی های تصنعی این تمدن همیشه بیش از آنچه می تواند ارضاء نماید نیازمندی بوجود می آورد زیرا وقتی آدمی در این راه گام نهاد ایست و توقف دشوار می باشد و شاید حتی هیچ دلیل و موجبی برای توقف در نقطه ای مشخص وجود نداشته باشد^۱ دنیای سنتی و غیرسنتی چنین احتیاجات و مشغله هایی را برای مردمان پدید نمی آورد و این حجم عظیم از زوائد فریبنده تماما ارمغان دنیای صنعتی (به روایت صحیح تر، صنعت زده) می باشد که توانایی مالی افراد را تحت تاثیر قرار داده و کم کم فرد را وادار می کند برای بدست آوردن محصول جدید و عقب نماندن از عرصه ی رقابت با اطرافیان دست به اعمالی مجرمانه نظیر کم فروشی، تخلفی از انجام تعهدات شغلی به طور کامل، اختلاس، رشوه و زد و بندهای غیر قانونی و خارج از ضابطه بزند زیرا وجهه و شخصیت اجتماعی و خانوادگی وی در گرو ماندن در رقابت مصرف گرایی و تمتع از این محصولات به ظاهر لازم است که در واقع نه تنها در یک زندگی متعالی جایی ندارند بلکه سنگ راه یک زندگی انسانی هستند مرتون می گوید: ما برای مردم ایجاد نیازهای ثانویه می کنیم اما راه برآوردن آن نیازها را به مردم نشان نمی دهیم.^۲

^۱ رنه گنون - بحران دنیای متجدد، ص ۱۴۵

^۲ جزوه ی درسی جرم شناسی (استاد دکتر علی نجفی توانا)، ص ۲۳

بخش پنجم: پیشرفت صنعت و تاثیرات آن بر کاهش جرایم

علاوه بر نقدهای مطرح شده در مباحث گذشته باید به نکاتی اعتراف نمود که اندیشه های مسلحین دیروز برای ساخت دنیایی با رفاه و زیبایی و مطلوبیست هر چه بیشتر تا حدی نزدیک شده است اگر دیروز در اثر نبود امکانات حداقل برای زندگی تعدادی افراد حتی برای زنده ماندن مجبور به ارتکاب جرایمی می شوند و اگر دیروز تولیدات کشاورزی کفاف زندگی زارعین را حتی نمی داد امروز رفاه نسبی به وجود آمده تا حدی وضعیت گذشته را بهبود داده است. ایجاد رفاه به معنی رفع نیازهای اساسی و ضروری افراد جامعه در جهتی که با آرامش و آسایش بیشتر به زندگی ادامه دهند حتی کاملا پسندیده و تلاشی ممدوح است زیرا وقتی که افراد دغدغه های جانکاه تامین نیازهای ضروری خود و خانواده ی خود را همیشه همراه خود داشته باشند تمام تمرکز و نیروی حیاتی خود را در راه تحقق این حداقل ها (تامین خوراک، پوشاک، مسکن) معروف می دارند در حالی که عملا از انجام دیگر وظایفی (مانند نظارت بر خانواده، تربیت و آموزش مهارت های زندگی و الفبای روابط انسانی) که به عهده آنان است باز می مانند و این خود زنگ خطری است برای انحراف و تباهی نسل آینده در پی خرد شدن نسل امروز برای تلاش بی وقفه در جهت زیست کردن و نه زندگی کردن بهداشت نیز به عنوان یکی دیگر از شاخه های رفاه، عامل مهمی در بهبود سطح زندگی جوامع دارد البته مقوله ی بهداشت مقوله ی عامی است که حوزه های کثیری را شامل می شود مانند بهداشت جسم و روان و بهداشت خانواده و اجتماع و در نهایت محیط زیست که مطلوبیت وضع آن عامل تعیین کننده در سرنوشت انسان ها می باشد نبود بهداشت در زمینه های مختلف و بوجود آمدن ضایعات و مشکلات زیستی و محیط به طور غیر مستقیم بر پدیده ی جرم موثر می باشند که در قرن بیستم به جهت پیشرفت های علمی پزشکی سطح بهداشت بهبود پیدا کرد که توانست نقش مهمی در بافت سالم و فضای مناسب برای امر مهم دیگری که آموزش گفته می شود بگشاید.

آموزش به عنوان مهمترین وسیله برای انتقال و آشنایی انسان با محیط و اجتماع که ضامن زندگی مطلوب می باشد با پیشرفت پدیده های تکنولوژیک و گسترش ابزارهای ارتباطی و آموزشی نوین ارتقاء قابل توجهی پیدا کرد و استفاده از این ابزارها نظیر کتاب ما، تلویزیون، رایانه نقش عمده ای در بهبود وضع آموزش و متعاقب آن بالا آمدن سطح فرهنگ داشته است البته نقدهایی نیز بر این پدیده ها شده است که یادگیری توسط کتاب و ابزارهای کلاسیک آموزشی تحت تاثیر ابزارهای نو قرار گرفته است (زوال یک معرفت شناسی مبتنی بر کتاب و به جای آن طلوع و رشد معرفت شناسی دیگر که

مبتنی بر تلویزیون است ردپای ناگواهی بر زندگی اجتماعی ما بر جای گذاشته است به طوری که از دقیقه ای به دقیقه دیگر احمق تر می شویم^۱ بحث آموزش و پرورش قسمت عمده ای از روند اجتماعی شدن افراد را به خود اختصاص می دهد و به سلامت طی نمودن آن امری خطیر و حساس می باشد البته این جنبه از پیشرفت ها تکنولوژیک می تواند با پیشرفت مطالعات علمی جرم شناسی که در قرن بیستم پیش آمده است با هم سویی یکدیگر در مباحث پیشگیری در جرم شناسی سهیم باشند علی الخصوص پیشگیری اجتماعی که توسط متخصصین این عرصه و با کمک ابزارهای جدید این نوع پیشگیری و تلاش برای مصونیت افراد و جامعه از جرم موفقیت های خوبی کسب کند.

بند اول: پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک و کمک به افزایش امنیت در مقابل جرم

با عنایت به مفهوم عام توسعه و تاثیر گذاری آن بر تمام عرصه ها قسمت های حفاظتی و امنیتی خصوصی و عمومی نیز از آن بی نصیب نماندند و هر روز تکنولوژی های امنیتی تفل ها و حفاظت های با ضرب امنیت بالاتر ارائه می دهند مثلاً سیستم های جدید بانکداری برای حفاظت از پول و اعتبارات مالی مردم و تسهیل هر چه بیشتر برای استفاده ی مالکین از خدمات موسسات مالی نظیر کارت های الکترونیکی که با بهره مندی از تکنولوژی های رایانه ای جدید مختص هر فرد ساخته می شوند که معمولاً با شماره های و یا کلمات رمز نیز حمایت می شوند واز دیگر تولیدات حفاظتی و امنیتی در مقابله با جرم استفاده از دوربین های مدار بسته است اصولاً هدف از استفاده از تلویزیون مدار بسته این است که با نصب آن احتمال شناسایی مجرم بیشتر و در نتیجه ارتکاب جرم را محدود نمود.^۲ البته در صورت افراط در استفاده از این تکنولوژی انتقاد محدودیت آزادی ها و حقوق مردم و احیاناً دخالت در حریم خصوصی آنها منطقی به نظر می رسد در هر صورت استفاده از چنین دوربین هایی که همراه با سیستم برنامه ی تعریف شده در مکان هایی که اشیاء ارزشمند نگهداری می شوند و دزدگیری های الکترونیک کمک شایان توجهی به بحث پیشگیری وضعی و انصراف مجرمین از نزدیک شدن به چنین هدف هایی می شود زیرا احتمال موفقیت عملیات تبهکاران بسیار کم می گردد و آنها مجبور به تغییر هدف مجرمانه یا انصراف کلی از ارتکاب عمل می نماید (البته ناگفته نماند که باندهای بزرگ و قدرتمند تبهکاری متخصصین و نوابغی را گاهی استخدام می کنند تا این سدهای الکتریکی را برای رسیدن به اهدافشان بشکنند) اما باید دوباره تذکر داد که این قبیل پیشرفت ها بسیار به تمهیدات حفاظتی و پیشگیری های ناظر بر محیط ها و شرایط خاص (پیشگیری وضعی) کمک نموده است. پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک

^۱ نیل پستمن - زندگی در عیش، مردن در خوشی، ص ۸۹

^۲ دیوید پوت واین و آیدن سامونز - روانشناسی و جرم، ص ۲۰۹



به قصد بهبود زندگی انسان شکل گرفته اند اما این خاصیت وجود انسانی است که از هر پدیده ای قابلیت استفاده از حسن و قبیح آن را دارد در نهایت باید با کمک عقلانیت و آموزش های صحیح استفاده از امکانات جدید وضعی را به وجود آورد که آینده ی امیدوار کننده تری را رقم زد.

نتیجه گیری

با یک نگاه کلی به تاریخ بشر و نظر بر سیر آن تا به اکنون باید تمام فراز و فرودهای آن را یکجا و با هم قبول نمود این انسان بوده است که این تاریخ را رقم زده است و حال که بشریت در وضعیت کاملا خاص و شاید کاملا متفاوت با تمام ادوار گذشته ی خود روبروست که پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک سطره ای بس بزرگ بر تمام جوانب زندگی انسانی دارند راه حل معقول توقف یا حداقل کاهش سرعت تکنیک و تفکر در مقصد و مقصودی است که جهان صنعتی به سوی آن رهسپار است می باشد اگر اطمینان به هدف خود پیدا کردیم همین راه را ادامه دهیم و در غیر این صورت شهامت پذیرش اشتباه خود را داشته باشیم البته شواهد و نشانه های حاکی از آن است که کاروان بشریت دیر زمانی ست که در بیراهه ها طی طریق می کند آری منتقدان هوشمندی چون رندگون، مارتین لینگز، کومارا سوامی و ... زنگ خطر را به صدا در آورده اند با تغذیه از اندیشه هایی بیگانه و جدا افتاده از ارزش های الهی و اخلاقی این تمدن رشد نمود که ابتدا از منظر فلسفی تام گزارده های دینی و اخلاقی مشکوک و بی اعتبار خوانده شوند و سپس از آنها تقدس زدایی نمودند و به طور کامل از صحنه بیرون رانده شدند و اکنون بسیاری از معذلات انسان مدرن از جمله شیوع انحرافات و جرایم واکنشی است که انسان ها در مقابل دنیای سخت و بی روح مدرن که ساخته ی تمدن لجام گسیخته ی صنعتی می باشد نظر بر یک معذل اجتماعی به نام شیوع اعتیاد در جوامع انسانی مویلد این نظر است که انسان ها برای گسستن موقتی از این وجود تلخ و تهوع آوری^۱ که در آن گرفتار شده اند به مواد مخدر روی می آورند. باید گفت تدابیر علوم انسانی در دفع این کمبودها تنها به عنوان داروهای موقتی و مسکن های زودگذر قابل توجه است و علمی چون جرم شناسی هر قدر نیز رسالت خود را خوب انجام دهند در دفع معلول ها توفیق می یابند و یا از شیوع گسترده و همدیگر شدن بیماری های اجتماعی و جرم جلوگیری می کنند اما راه برون رفت نهایی نگاهی ساختار شکنانه به بنیادهای اساسی تمدن متجدد است که بازگشت به فطرت انسانی و آشتی با طبیعت را به ارمغان آورد.



^۱ اشاره به رمان «تهوع» نوشته ی فیلسوف آگزیستانسیالیست فرانسوی ژان پل سارتر

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. دکتر نوریها رضا، زمینه ی جرم شناسی ، نثر کتابخانه گنج دانش ۱۳۹۰
۳. گسن ریموند، جرم شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، انتشارات مجد ۱۳۸۹
۴. پوت واین دیوید و سامونز آیدن، روانشناسی و جرم ، ترجمه دکتر داود نجفی توانا، نشر میزان ۱۳۹۲
۵. فروغی محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات امیر کبیر ۱۳۹۰
۶. دکتر سروش عبدالکریم، تفرج صنع، موسسه ی فرهنگی صراط ۱۳۸۵
۷. حاجی محمد، فرهنگ تفسیری ایم ها، انتشارات جامه دران ۱۳۸۹
۸. کاظمی سید علی اصغر، بحران جامعه مدرن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۹۲
۹. پستم نیل، تکنوپولی، ترجمه سید صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات ۱۳۸۶
۱۰. پستم نیل؛ زندگی در عیش، مردن در خوشی، ترجمه سید صادق طباطبایی ۱۳۹۵
۱۱. گنون رنه؛ بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیالالدین دمشیری، انتشارات امیر کبیر ۱۳۸۹
۱۲. دکتر نجفی توانا علی، جزوه ی درس جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز نیمسال دوم ۱۳۹۰

